

بررسی انواع فعل به اعتبار ساختار در نفثة‌المصدر

یوسف عالی (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور، تهران)

مرضیه دهقانی فیروزآبادی (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه)

چکیده: در این مقاله، پس از معرفی مختصر کتاب نفثة‌المصدر، تصویری از ویژگی‌های ساختاری مقوله فعل در این اثر ارائه خواهد شد. بررسی کتاب نفثة‌المصدر نشان می‌دهد که بسامد انواع افعال در آن، از مجموع ۲۰۲۹ فعل، عبارت‌اند از: افعال ساده، ۱۳۱۵ مورد؛ افعال پیشوندی، ۱۵۲ نمونه؛ ۲۸۰ مورد فعل مرکب؛ ۲۸۴ عبارت فعلی؛ و تعداد فعل‌های لازم یک‌شخصه بسیار اندک است.

کلیدواژه‌ها: انواع ساختار فعل، عبارت فعلی، فعل مرکب، نفثة‌المصدر، نثر فنی.

۱ مقدمه

با توجه به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های دستورنویسان معاصر زبان فارسی درباره فعل و تبیین وجوه اشتراک و اختلاف آراء در این زمینه به عنوان عنصر مرکزی جمله، مشاهده می‌شود که در بررسی سیر تحول تاریخی دستور زبان که می‌تواند تا حدودی متأثر از توجه به زبان‌های دیگر، نظریات زبان‌شناسی گوناگون، اقدام برای رسیدن به نظر جامع و کامل و در نهایت رفع

چندگانگی‌ها و تشتت آراء باشد، بررسی فعل در دو مقوله صرفی و نحوی صورت می‌پذیرد. کتاب‌های سنتی بیشتر به مقوله صرفی در بررسی شخص، زمان، شمار فعل، و مقوله نحوی در نقش فعل و تأثیر آن در تعیین اجزای جمله پرداخته‌اند، حال آنکه در کتاب‌های مبتنی بر نظریه‌های زبان‌شناسی به هر دو مقوله، به علاوه به ساختارهای فعل نیز توجه شده است. در این راستا، تغییرات و تکمیلاتی را شاهدیم، از جمله افزایش زمان‌های فعل و گسترش ساختمان‌های جدید و یا توجه به ساختارهای قدیمی، تقسیم‌بندی جامع‌تر و نام‌گذاری‌های جدید.

در تعریف فعل، بیان شده که فعل کلمه‌ای است که بر انجام گرفتن کار یا روی دادن حالت یا نسبت دادن صفتی به کسی یا چیزی به صورت مثبت یا منفی دلالت می‌کند، که در دو بن ماضی و مضارع برای تعیین زمان (گذشته، حال و آینده)، تعیین شخص (مفرد و جمع متکلم، مخاطب و غایب)، به صورت ترکیب با اجزای پیشین (می، ب، ن، خواه) و اجزای پسین (شناسه: م، ی، یم، ید، ند)، در چهار وجه خبری، پرسشی، امری و تعجبی صرف می‌شود. فعل گاه از ترکیب اسم یا صفت فارسی یا عربی + یدن نیز ساخته می‌شود (مانند جنگیدن، رقصیدن)، که به آن مصدر جعلی می‌گویند. همچنین از این جهت که افعال معنایشان با فاعل تمام شود یا به مفعول نیاز داشته باشند، به فعل لازم و متعدی (رفتن بردن و سوختن سوزاندن)، و بنا بر اینکه افعال به فاعل نسبت داده شوند یا به مفعول، به فعل معلوم و مجهول (آمد آورده شد) تقسیم می‌شوند. خود زمان‌های گذشته و حال نیز از جهت اینکه استمرار، دوام، واقع شدن پیش از فعلی دیگر، و مانند آن داشته باشند، اقسامی (از جمله ماضی تام، نقلی، بعید، ابعده، استمراری، پیاپی، مضارع اخباری و التزامی) دارند. اما بحث این نوشتار به نگاه از زاویه‌ای دیگر به فعل در اثری خاص معطوف شده و آن ساختار فعل است که به صورت جداگانه مطرح و مورد واکاوی قرار می‌گیرد. برای همین، ابتدا به شیوه بیان در زمان خلق اثر و معرفی اثر پرداخته می‌شود و سپس ساختار فعل در آن بررسی و تحلیل می‌گردد.

۲ پیشینه تحقیق

درباره کتاب نفثة المصدور مقالات بسیاری تهیه شده که این اثر را از جنبه‌های گوناگون مورد واکاوی و پژوهش قرار داده است. مقالات یافته شده، بر اساس تاریخ نشر، عبارت‌اند از: «خاطره‌نگاری‌های شهاب‌الدین نسوی» (هوشنگ خسرویگی، ۱۳۸۶)؛ «مروری بر کتاب نفثة المصدور» (محمد راستگو، ۱۳۸۶)؛ «بررسی کنایه و انواع آن در نفثة المصدور» (محمد صادقی، ۱۳۸۷)؛ «درآمدی بر سخن‌آرایی و ظرافت‌های معنایی در نفثة المصدور زیدری نسوی» (احمد فاضل، ۱۳۸۸)؛ «بررسی مقایسه‌ای عناصر زبانی، زیبایی‌شناسی و موسیقایی نثر نفثة المصدور و تاریخ جهانگشای جوینی» (فتحیه‌سادات کارآموز و محمد بارانی، ۱۳۸۹)؛ «نگاهی تازه به ویژگی‌های زبانی و بلاغی نفثة المصدور» (صدیقه مهربان، ۱۳۹۰)؛ «نگاهی به نثر فنی بر مبنای مقایسه نفثة المصدور و درة نادره» (زهرا محمدیان، ۱۳۹۲)؛ «نگاهی بر نفثة المصدور از منظر پارناسیسم» (معصومه محمدنژاد، ۱۳۹۴)؛ «بررسی روایت و بن‌مایه‌های داستانی در نفثة المصدور» (محمد رنجبر و محمدعلی خزانه‌دارلو، ۱۳۹۴)؛ «تحلیل محتوای غنایی نفثة المصدور» (امید ذاکری‌کیش، ۱۳۹۴)؛ «نگاهی تازه به نثر شاعرانه نفثة المصدور» (فرید سلامت‌نیا و سعید خیرخواه، ۱۳۹۴)؛ «بررسی اقتباسات قرآنی نفثة المصدور زیدری بر محور تأثیرات بینامتنی» (مهرداد نصرتی و محمدکاظم کهدویی، ۱۳۹۴)؛ «عاطفه، نقش و جایگاه آن در نفثة المصدور» (مهدی دهرامی و یوسف اصغری، ۱۳۹۴)؛ «نقش موسیقی در گزینش واژگان نفثة المصدور» (حیب‌الله عباسی و حجت کجانی، ۱۳۹۵)؛ «سبک‌شناسی نفثة المصدور زیدری نسوی» (فریدون طهماسبی و سولماز مظفری، ۱۳۹۵)؛ «تشبیه با تکیه بر پیوند شاعرانگی و فرم در نفثة المصدور» (فیروز فاضلی و حسین یاسری، ۱۳۹۶). اما این اثر از منظر ساختار افعال بررسی نشده است.

۳ تاریخچه نشر تا زمان نگارش اثر

پس از غلبه اعراب مسلمان بر پادشاهان ساسانی تا تشکیل دولت صفاری، در طی قرون متمادی، به جز ابیاتی پراکنده و عباراتی کوتاه، مکتوبی به زبان فارسی تألیف نگردید، که شاید یکی از دلایل آن تغییر خط پهلوی به کوفی باشد. اما از قرن چهارم هجری، به دنبال

نهضتی که برای تألیف به زبان فارسی به جای زبان عربی از دربار سامانیان آغاز شد و به فارسی درباری یا دری معروف گردید، در اندک‌زمانی کتاب‌ها و سروده‌های بسیاری خلق شد، که در زمان شاهان سلجوقی، در امور اداری و مکاتبات دیوانی هم جای زبان عربی را گرفت. ویژگی نثر این دوره، به دلیل خاستگاه آن در خراسان قدیم، نثری ساده و روان با تأثیری از گویش‌های محلی آن منطقه بود.

از اوایل قرن پنجم، با گذشت زمان نسبتاً طولانی از تسلط اعراب، فراگیری اسلام، شیوع علوم قرآنی، کثرت تألیفات ادبی و بلاغی عربی، ایجاد مدارس علوم دینی در کنار افزایش فاصله تدریجی ایرانیان از گذشته خود و تمایل نویسندگان فارسی‌زبان به اظهار فضل و دانش خود در زمینه علوم ادبی و بلاغی روز منجر به تغییر نوشتار ادبی گردید؛ بدین ترتیب که در ابتدا، به تقلید از خطیبان دینی و مذهبی عرب‌زبان مبتنی بر استفاده از سجع‌های پیاپی بر روی واحد سطح، نثر مسجع متولد گردید که به مرور زمان گاه سخت و متکلف شد، که آن را نیز می‌توان تقلیدی از مجلس‌گویان صوفیه دانست و سپس، به جز سجع، صنایع لفظی دیگر نیز، به مرور، وارد متون نثر شدند.

از اواخر قرن پنجم، در کنار نثر ساده و بی‌تکلف دوره سامانی و غزنوی، شیوه‌ای در نثر فارسی شروع به تکوین نموده بود که به آرایش‌های ظاهری و صوری کلام منثور می‌پرداخت. این نثر نوپدید، در طی دو قرن، با رشد تدریجی، شیوه غالب گردید که به نثر فنی و مصنوع مشهور شد. بنای نثر فنی ابتدا بر تناسب الفاظ و معانی و آراستن سخن با آوردن موازنه، ترصیع، تضمین مزدوج، ایهام، تضاد، مراعات نظیر، ارسال مثل، حسن تعلیل، مبالغه، اغراق، غلو، اطناب در وصف در جملاتی متقارن با تضمین و استشهاد به آیات، احادیث، ابیات، به همراه استفاده از اصطلاحات علوم مختلف، تشبیهات، استعارات، تلمیحات و دیگر بدایع لفظی و معنوی کلام بود؛ اما حمله مغول به ایران و، در نتیجه، دور شدن تألیفات از دربار و پایان مدح و ثناء، رشد تصوف و ترویج عقیده ناپایداری زندگی در برابر مصائب وارده بر مردم برای تسلاهی خواطر، جو اختناق حاکم بر جامعه، و ورود ایهام و ابهام در مکتوبات برای تفاسیر چندپهلوی نثر فنی را، که در اوایل قرن هشتم در

نقطهٔ اوج تصنع بود، به سمت مغلق بودن و پیچیدگی و اطنابِ بیش از حد سوق داد.

۴ معرفی کتاب *نفته‌المصدر*

کتاب *نفته‌المصدر* زندگینامهٔ خودنوشت^۱ شهاب‌الدین محمد خرنذی زیدری نسوی در اوایل قرن هفتم تألیف شده است، در میان آثاری که به نثر فنی نگاشته شده، دارای جایگاه ویژه‌ای است و، به گفتهٔ مصحح، «بی‌شبهه یکی از شاهکارهای بدیع و از نمونه‌های عالی مزین و منشیانهٔ این نثر است» (خرنذی زیدری ۱۳۹۴: مقدمه). محمد نسوی منشی سلطان جلال‌الدین منکبرنی، پسر علاءالدوله سلطان محمد خوارزمشاه، است که، علاوه بر کتاب *نفته‌المصدر* به زبان فارسی، کتاب *سیرت جلال‌الدین* دربارهٔ حوادث حملهٔ مغول، مأموریت‌هایش از جانب سلطان و ماجراهایی که بر وی و بر ایرانیان گذشته را به زبان عربی تألیف کرده است (نامهٔ محمد قزوینی به عباس اقبال آشتیانی همان: چهل و هشت).

متن *نفته‌المصدر* سرشار است از کلمات مسجع برای قرینه‌سازی (که غالباً قرینهٔ دوم آنها جنبهٔ لفظی دارد و از نظر معنا فاقد ارزش است)، بدایع لفظی و معنوی، جملات معترضه به صورت ارائهٔ آیات، احادیث، امثال و اشعار عربی و فارسی و استشهاد بدانها، که گاه چنان طولانی‌اند که رشتهٔ کلام از ذهن خواننده می‌گریزد و کلام را ناهموار و نامفهوم می‌کند و خواننده ناچار می‌شود، برای درک مطلب، بارها جمله را مرور کند که البته این از مختصات متون نثر فنی است. از سویی، در جای‌جای کتاب با نحوهٔ بیانی زیبا و نکاتی ظریف مواجه می‌شویم که نویسنده، با زبانی شاعرانه، روایتی از تراژدی جنگ، حملهٔ تاتار، تعقیب و گریزها و مانند آن را به تصویر کشیده است.

۵ فعل در *نفته‌المصدر*

در این اثر ۱۲۵ صفحه‌ای، که غالباً نیمی از صفحه را زیرنویس تشکیل می‌دهد (۷۰۰ خط زیرنویس از مجموع خطوط کتاب) و با توجه به تعداد زیاد جملات معترضه (به صورت آیه،

1. autobiography

حدیث، مَثَل) و عبارات یا ابیات عربی که در لابه‌لای اثر آورده شده است (در مجموع، ۳۰۰ خط عربی) و صرف‌نظر از افعال حذفی فراوان، جمعاً ۲۰۲۹ فعل وجود دارد، که نشان‌دهندهٔ بسامد بسیار بالای فعل است (غرض از ذکر تعداد خطوط غیر متن اصلی این است که کم‌حجمی اثر مورد توجه واقع شود). در حقیقت، با دقت در متن کتاب، دو نکته به ذهن متبادر می‌شود:

۱) زبان زیدری نسوی که ترکیبی است از جملات، عبارات و کلمات عربی و فارسی، حاکی از این است که مؤلفِ فارسی‌زبان چنان با شغل خویش (منشی بودن) و چنان با فرهنگ عربی عجین شده که فرقی میان این دو زبان نمی‌نهد. دلیل آوردن جملات بدون فعل نیز می‌تواند الگوبرداری از جمله‌های اسمیه (حتی به طور ناخودآگاه) باشد. در این اثر، جملات عربی نه فقط به عنوان شاهد مثال، بلکه ترکیبی از کلمات فارسی و عربی است، به طوری که همواره با جملاتی مانند «چون پای را از خزانهٔ فَكْسُونَا الْعِظَامَ لَحْمًا دیگر بار کسوت نو دادند،...» (همان: ۹۶) مواجه می‌شویم.

۲) نویسنده، که می‌توانسته شرح ماجرا را بسیار موجز و مختصر در چند صفحه برای مخاطبان مورد نظرش بیان کند، در پی به یادگار گذاشتن اثری ماندگار برای آیندگان بوده است و چه شیوه‌ای بهتر از این که تاریخ را با زبان ادب درآمیزد. گواه انتخاب صحیحش همین بررسی‌ها و تحلیل‌ها بعد از گذشت قرون متمادی است.

۶ انواع ساختار فعل

دربارهٔ انواع ساختمان فعل نظرات متفاوتی بیان شده است، از جمله:

– فرشیدورد (۱۳۸۲: ۴۱۳) افعال را به ساخت بسیط (مانند رفتن و آمدن) و غیربسیط که شامل دو دستهٔ پیشوندی (مانند ورافتادن و وارفتن) و مرکب (مانند کار کردن و کتک زدن) هستند، تقسیم می‌کند و سپس به خانلری برای تقسیم‌بندی‌اش و برای نام‌گذاری عبارت فعلی می‌تازد.

– خیامپور (۱۳۷۳: ۶۹) بدون اشاره به نوع تقسیم‌بندی، تنها به تعریف فعل مرکب

می‌پردازد: فعل مرکب فعلی است متشکل از فعلی بسیط با یک پیشاوند یا یک اسم با فعلی در حکم پساوند و به عبارت دیگر فعلی است متشکل از دو لفظ دارای یک مفهوم. در واقع، خیامپور کمترین اشاره و بحثی درباره عبارات فعلی و افعال بیش از دو جزء نمی‌کند.

- مشکوة‌الدینی (۱۳۷۴: ۱۵۸) تقسیم اقسام فعل را در سه رده ساده، پیشونددار و مرکب ذکر می‌کند.

- احمدی گیوی و انوری (۱۳۷۱: ۲۸) افعال را به شش گروه ساده، پیشوندی، مرکب، پیشوندی مرکب، عبارت فعلی و فعل لازم یک‌شخصه تقسیم می‌کنند و به مطالب خانلری استناد می‌نمایند.

- خانلری (۱۳۹۵: ۴۳-۷۰) در دستور تاریخی زبان فارسی، فعل را به پنج گروه ساده، پیشوندی، مرکب، عبارت فعلی و فعل ناگذر یا فعل لازم یک‌شخصه تقسیم می‌کند؛ که منبع ارجاعی این پژوهش همین اثر است.

۶-۱ افعال ساده در نشئه‌المصدر

افعال ساده موجود در این اثر بالغ بر ۱۳۱۵ فعل است. این افعال که فعل‌های تام و ناقص متن را دربرمی‌گیرد، در زمان‌های مختلف و در وجوه متفاوت به صورت لازم یا متعدی و معلوم یا مجهول ارائه شده‌اند و هرچند برخی از آنها مانند فکندند، کاغد، نماینده، رویاندی، میفگن، می‌خاییده است، سنجی، بود، مگوی، بدانسته‌ام، پندارمی، آر، گیر و... در دوره معاصر منسوخ و متروک شده یا دچار تغییراتی شده‌اند، اما غالب آنها هنوز هم به کار می‌روند و، در نتیجه، متن رسانایی لازم برای درک معنا را دارد.

۶-۲ افعال پیشوندی در نشئه‌المصدر

فعل‌های پیشوندی موجود در این اثر بالغ بر ۱۵۲ مورد است، و پیشوند «بر» بالاترین بسامد را دارد. پیشوندهای به‌کاررفته در آن عبارت‌اند از:

الف) ب: ببايست (ص ۱۷)، برفت (ص ۲۰)، برفتند، بدانستم (ص ۲۱)، بسوخت، بخفت، بیارامید،

بمرد، بپژمیرد (ص ۴۷)، برفت (ص ۶۰)، بنهاد (ص ۶۹)، بنشست (ص ۸۲)، بگفته بودم (ص ۸۴)، بنشاندم (ص ۹۰)، بگذاشته‌ام، بدیدم (ص ۹۴)، بساخت (ص ۱۰۰)، بگذشت (ص ۱۱۷).

ب) باز: بازگفتن (ص ۳، ۱۰۵)، بازماندن (ص ۲۲، ۲۳)، بازدانستن (ص ۳۰، ۱۱۹)، بازآوردن (ص ۳۸)، بازداشتن (ص ۳۹، ۷۶، ۱۰۵)، بازنهادن (ص ۴۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۲۰)، باز ایستادن، بازگرفتن (ص ۴۵)، بازخندیدن (ص ۴۷)، بازشدن (ص ۴۸)، بازکشیدن (ص ۶۳، ۸۷)، بازپرداختن (ص ۶۷، ۱۲۰)، بازنشستن (ص ۸۲)، بازآمدن (ص ۳۷، ۹۴، ۱۱۷)، بازآوردن (ص ۷۶)، بازگذاشتن (ص ۷۸)، بازجنباندن (ص ۸۷)، بازبستن (ص ۸۸)، بازگشتن (ص ۹۳).

ج) بز: برانداختن (ص ۵)، برداشتن (ص ۱، ۳۱، ۱۲۱)، بردمیدن (ص ۶)، بردادن (ص ۷، ۴۵، ۷۸)، برگشتن (ص ۱۱)، بر تافتن (ص ۱۶، ۴۲)، برگزیدن (ص ۱۶)، برنشستن (ص ۱۸)، برآگندن (ص ۲۴، ۸۲)، بردردیدن (ص ۴۱)، برآمیختن (ص ۴۲)، برآویختن، بردادن (ص ۴۵)، برآشفتن، برافروختن، برآوردن (ص ۴۷، ۱۰۱، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵)، برافراختن (ص ۵۱)، بر بستن (ص ۵۹)، برخواندن (ص ۶۰، ۸۴)، برآسودن (ص ۶۷، ۶۸)، بربالیدن (ص ۷۲، ۱۱۰)، برخاستن (ص ۷۶، ۸۲)، برآگندن (ص ۸۲)، برگرفتن (ص ۶۴، ۱۲۳)، برکشیدن (ص ۱۰۳، ۱۱۴)، بر باید کشیدن (ص ۱۰۷)، برکندن، برآمدن (ص ۱۲۰).

د) در: دردادن (ص ۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۲، ۸۸)، درنوردیدن (ص ۵، ۶، ۳۰، ۴۷)، درنوشتن (ص ۵)، دریافتن، درنگنجیدن (ص ۶)، درافتادن (ص ۲۳)، درنهادن (ص ۲۳)، دررساندن (ص ۳۲)، درکشیدن (ص ۴۱)، درآوردن (ص ۵۲، ۶۴)، دررفتن (ص ۶۰)، درچیدن (ص ۶۳)، درگرفتن (ص ۶۶، ۱۰۴)، درگذشتن (ص ۷۷)، در بستن (ص ۱۰۲)، دردمیدن (ص ۸۶)، درآمدن (ص ۸۷، ۹۲)، درگردانیدن (ص ۹۰)، درر بودن (ص ۱۰۳)، درآمیختن (ص ۱۱۹)، در ساختن (ص ۱۲۰).

ه) فاوا: فاوا بردن (ص ۳).

و) فرا: فرا بستن (ص ۱۲)، فرا ساختن (ص ۲۰)، فرا خواستن (ص ۱۱)، فرا گذاشتن (ص ۲۱)، فرا کرده، فرا ایستاده (ص ۷۵)، فرا آمدن (ص ۷۶)، فرا راندن (ص ۹۲)، فرا گرفتن (ص ۱۱۰)، فرا رفتن (ص ۱۱۰).

ز) فرو: فروخواندن (ص ۳، ۷، ۳۶، ۳۹، ۱۱۷)، فرو شدن (ص ۱۱)، فرو گذاشتن (ص ۱۷، ۳۰، ۳۳)، فرو مردن (ص ۳۳، ۹۱)، فرو ریختن (ص ۴۲)، فرو گرفتن (ص ۴۲، ۴۳)، فرو ایستادن (ص ۴۸)، فروخزیدن (ص ۷۵)، فرو رفتن (ص ۸۱، ۱۱۰)، فرو بستن (ص ۹۲، ۱۰۴، ۱۲۴)، فرو دادن (ص ۱۰۷).

۶-۳ افعال مرکب در نشئه المصدر

از مجموع ۲۸۰ فعل مرکب این اثر که، در ساخت آنها، از همکردهای کردن، شدن، گشتن، گردیدن، گردانیدن، گرداندن، نمودن، گرفتن، یافتن، دادن، شمردن، رفتن، فرمودن، آمدن، کشیدن، افتادن، پنداشتن، انگاشتن، بودن، نهادن، ماندن، دانستن، انداختن، گشودن، چکیدن، بستن، ساختن، زدن، تراویدن، پختن، خواندن و استدن استفاده شده است، همکرد کردن بیشترین بسامد را دارد (۱۰۵ نمونه)، مجموعه «گشتن، گردیدن، گرداندن و گردانیدن» پس از آن قرار دارد و افعال برون تراویدن، سره انگاشتن، بنده خواندن، تمنی پختن، چست بستن و شرم ندانستن تنها یک بار ذکر شده‌اند.

برخی از افعال مرکب همچون مکمن ساختن به معنای مجازی «کمینگاه قرار دادن»، انتقام کشیدن با تغییر همکرد به صورت انتقام گرفتن، همچنین ارتکاب کردن مرتکب شدن و... نامتداول‌اند، که امروزه افعال مرکب، پیشوندی، ساده و عبارات فعلی جدیدی جایگزین آنها شده‌اند.

۶-۴ عبارات فعلی و ضرب‌المثل‌ها در نشئه المصدر

در این مجموعه، حدود ۲۸۴ عبارت فعلی مشاهده می‌شود، که تعداد زیادی از آنها به عنوان ضرب‌المثل به کار می‌روند:

پیشوندی مرکب (۸۵ مورد): بر هم شورانیدن (آشوب ایجاد کردن)، در هم بستن (انباشتن)، بر خاکستر نشستن (بدبخت شدن)، در قلم آمدن (مقدر شدن) یا بر هم نهادن، به رو خفتن، فرا امل نهادن، به ابرام کشیدن، بر سر دواندن، بر زبان راندن و مانند آن.

مرکب پیشوندی (۲۲ مورد): لب فرو بستن (سکوت کردن)، جای بازپرداختن (جاخالی دادن)، دندان برکندن (قطع طمع یا ناامیدی)، عنان برتافتن (سریع راندن)، دست برآوردن (اقدام کردن)، گرد درگرفتن (محاصره کردن) یا دست برداشتن، دم فرو خوردن، کیسه برداختن و مانند آن.

عبارت فعلی پیش از سه جزء (۱۷۷ مورد): مهد زین بالیدن (سوارکار ماهر بودن)، شمشیر بر گردن آزمودن (کشتن)، قلم بر کاغذ نهادن (حکم دادن، مطلب نوشتن)، خاک در چشم آب حیات زدن (کور کردن، مایه زندگی را نابود کردن)، خاک در چشم خود زدن (خود را به کوری زدن، ندیدن)، جان به لب رسیدن (بی‌طاقت شدن)، از مرده کفن ربودن و از برهنه پوست برکشیدن (ندار را

غارت کردن، تنها دارایی کسی را تصاحب کردن: اوج بی‌رحمی و بی‌انصافی)، از چار پای به دو پای ساختن (قناعت کردن، پیاده رفتن)، قلم در مُلک کشیدن (مملکت را نابود و محو کردن)، دوات دیگران به دیوان آوردن (از دیگران مایه گذاشتن) و مانند آن.

۶-۵ افعال لازم یک‌شخصه در نفثة‌المصدر

در این اثر، شمار افعال لازم یک‌شخصه بسیار اندک است، که آن هم از ابیات ارائه‌شده استخراج شده است و عبارت‌اند از: از آن سرد آمد این کاخ دلاویز (ص ۴۹)، کسیش ناید هیچ (ص ۹۱)، از عدمم بیم آید و مرا خوشتر آید (ص ۱۰۷).

۷ نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از بررسی ساختار فعلی در کتاب نفثة‌المصدر حاکی از این است که، از مجموع افعال به‌کاررفته، عبارت‌های فعلی از بسامد بالایی برخوردارند، که تعداد زیادی از آنها ضرب‌المثل‌اند. بسامد افعال پیشوندی نیز در این اثر قابل توجه است و تعداد ناچیزی فعل لازم یک‌شخصه در آن به کار رفته است. در مجموع، به دلیل مسجع بودن کلام و به کار بردن سجع‌های دوتایی و سه‌تایی، کاربرد فعل در این اثر کوتاه (با صرف نظر از ویژگی سبکی حذف فعل با قرینه و بدون قرینه) بسیار زیاد است. ساختار فعلی حاکم بر این اثر، در گذر زمان، دستخوش تغییراتی گردیده است، به طوری که امروزه بسیاری از افعال مرکب جایگزین فعل‌های پیشوندی و اسنادی شده‌اند. علاوه بر آن، تغییرات غیرساختاری از قبیل به‌کلی متروک شدن برخی افعال همچون کاغیدن و خاییدن، یا متداول نبودن برخی دیگر چون گازی کردن و شکوهیدن، و تغییر برخی پیشوندها و همکردها را می‌توان برشمرد، که بحث درباره‌ی آنها مجال دیگری می‌طلبد.

منابع

احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۷۱)، دستور زبان فارسی، ج ۱، تهران: فاطمی.

بهار، محمدتقی (۱۳۷۳)، سبک‌شناسی، ج ۱، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
خانلری، پرویز (۱۳۹۵)، دستور تاریخی زبان فارسی، به کوشش عفت مستشارنیا، تهران: طوس.
خرندزی زیدری نسوی، شهاب‌الدین محمد (۱۳۹۴)، نفثة‌المصدر، تصحیح امیرحسین یزدگردی، تهران: طوس.

خیامپور، ع. (۱۳۷۳)، دستور زبان فارسی، چاپ نهم، تهران: کتابفروشی تهران.
رضازاده شفق، صادق (۱۳۲۱)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: نشر وزارت فرهنگ.
شریعت، محمدجواد (۱۳۶۴)، دستور زبان فارسی، تهران: نشر اساطیر.
طعان، احمد (۱۳۸۷)، «نقد و بررسی زیباشناختی نفثة‌المصدر»، پژوهش‌های ادبی، س ۵، ش ۱۹، ص ۱۱۱-۱۲۶.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲)، دستور مفصل امروز، تهران: نشر سخن.
مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۴)، زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، چاپ چهارم، مشهد: نشر دانش.
مهرآوران، محمود (۱۳۸۸)، «عبارت فعلی در دستور زبان فارسی»، نشریه فنون ادبی، دوره اول، ش ۱، ص ۱۲۷-۱۴۴.

نجاریان محمدرضا و احمد حیدری (۱۳۹۱)، «بررسی ویژگی‌های فعل در ترجمه تفسیر طبری»، نشریه فنون ادبی، دوره دوم، ش ۲، ص ۱۱۳-۱۲۸.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی